

# بحران مناطق شرق و تحلیل ژئوپلیتیکی برای مدیریت برون رفت از آن

محمدحسن نامی<sup>۱</sup>

دکترای جغرافیای سیاسی

وحید بارانی پسیان

دانشجوی دوره دکترای دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران

غلامرضا سعیدی

معاون توسعه و پشتیبانی وزارت دادگستری

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۹/۲۸

## چکیده

به جرأت می‌توان قرن بیست و یک را قرن تحولات غیر قابل پیش بینی نامید، تحولاتی که باعث بحرانهای زیادی در جهان شده است. در این بین، قرار گرفتن ایران در مرکزیت و محوریت حوزه‌های ژئوپولیتیک خلیج فارس و دریای عمان، اقیانوس هند، آسیای مرکزی، قفقاز و تسلط بر کانون‌های استراتژیک انرژی خاورمیانه، نقش بنیادی و اساسی در استراتژی‌های ژئوپولیتیک و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند. فضاهای ژئوپولیتیک شمال، جنوب و شرق همچنین غرب کشور و اهمیت آن در برقراری و حفظ امنیت جمهوری اسلامی ایران بر همگان آشکار است. ضرورت شناخت این نواحی و کارکردهای آن می‌تواند نقش مهمی در ایجاد امنیت ملی و بین‌المللی داشته باشد. در این مقاله سعی شده است با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای، با اشاره به نقاط ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران و کارکردها و اهمیت ملی و بین‌المللی آن، ضرورت شناخت صحیح و دقیق یکی از این نواحی بحران‌زا (نواحی شرقی ایران) را یادآور شده، و به راهکارهایی در خصوص مدیریت این بحرانها پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** ژئوپولیتیک، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، بحران، نواحی شرقی کشور

## مقدمه

شاید به جرأت بتوان قرن بیست و یک را قرن تحولات غیر قابل پیش‌بینی نامید، تحولاتی که باعث بحران‌های زیادی در جهان شده است. ریشه بحران را می‌توان از زمان ظهور انسان متفکر دانست (رضایی، ۱۳۷۵، مقدمه) زیرا قلمروهایی را برای حفظ منافع خود ایجاد نموده است و گاهی برای بدست آوردن منافع بیشتر، بر قلمرو خود افزوده‌اند که این امر باعث تنش‌های زیادی شده است، اکثر مناطق جهان دستخوش بحران شده‌اند و تقریباً اکثر جنگ‌های به وقوع پیوسته در جهان از یک حالت برزخ بحرانی گذشته‌اند. دولت‌ها در رویارویی با چالش‌های داخلی و خارجی درگیر تلاش مداوم برای سیطره خود بر قلمروی ملی هستند (مویر، ۱۳۷۹، ص ۱۹۹). نیاز کشورهای صنعتی به منافع انرژی و مواد خام صنعتی از یک سو و نیاز به داشتن بازار فروش از سوی دیگر برخی مناطق از جهان را دچار بحران می‌سازد، منطقه استراتژیک نواحی شرقی ایران هر دو ویژگی فوق را داراست بنابراین این منطقه دارای اهمیت بسیار زیادی می‌باشد و هر تحولی در این منطقه ایران را دچار تنش و بحران می‌سازد. کشور ایران در جنوب غربی قاره آسیا بین ۲۵ الی ۴۰ درجه عرض شمالی و ۴۵ الی ۶۳ درجه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد. این کشور از لحاظ موقعیت عمومی، مانند پلی سه‌قاره آسیا، اروپا و آفریقا را به هم مرتبط می‌سازد و به علت همین شرایط خاص طبیعی نقش بسیار حساسی را در سیاست منطقه جنوب غربی آسیا بازی می‌کند. آگاهی از چنین شرایط طبیعی می‌تواند در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بسیار اهمیت داشته باشد (عزتی، ۱۳۶۸، ص ۲۵). ایران پس از جنگ جهانی دوم در چارچوب منافع آمریکا و غرب و با هدف مهار شوروی، اهمیتی ژئواستراتژیک یافت.

ایران در درجه اول، خط حائل در برابر توسعه رو به جنوب روسیه می‌باشد، لذا تمام روابط آمریکا با ایران از آغاز تا انجام بر محور ممانعت از فزون طلبی شوروی در خلیج فارس استوار بود. حتی بسیاری از سیاست‌های آمریکا با تاکید بر لزوم اجرای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی به منزله بهترین و موثرترین راه تامین ثبات و امنیت ایران، انجام می‌شد (درویدیان، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱). اما اکنون تبدیل ایران از یک کشور حائل به یک کشور واسطه، موضوع مهمی در تغییرات ژئوپلیتیکی ایران محسوب می‌شود. دو کشور افغانستان و پاکستان که در همسایگی ایران قرار دارند، از حیث تامین منافع ناشی از ثبات، برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت فراوانی دارند، با توجه به شرایط موجود و نیز گستردگی مرزها به طول حدود ۲۰۰۰ کیلومتر بین این ایران و این دو کشور، به نظر می‌رسد تهدیدات امنیتی از ناحیه آنها برای منافع ملی ایران گسترش بیشتری یافته و در نتیجه هزینه‌های و بحران‌های جمهوری اسلامی در خصوص کنترل مرزها افزایش یافته است. بحران افغانستان را می‌توان پس از بحران فلسطین قدیمی‌ترین بحران و چالش موجود در سطح بین الملل تلقی نمود. پس از تجاوز شوروی به افغانستان و فروپاشی نهاد دولت در این کشور، نزدیک به سه دهه است که افغانستان به یکی از کانون‌های اصلی بحران در سیاست بین الملل تبدیل شده است. پس از حمله آمریکا به افغانستان و شروع دورانی جدید در این کشور، امیدهای بسیاری برای شکل‌گیری دولتی با ثبات در افغانستان و بازگشت این به جامعه بین‌المللی به عنوان کشوری عادی شکل گرفت، اما این امیدها به تدریج رنگ باخت. از سوی دیگر، در سال‌های ناامنی و بی‌ثباتی‌های پاکستان، شرایط بغرنجی را برای همسایگان آن کشور فراهم آورده است. به دنبال افزایش اختلافات داخلی و ناآرامی‌های سیاسی در پاکستان، به ویژه

افزایش فعالیت‌های داخلی و ناآرامی‌های سیاسی در پاکستان، به ویژه افزایش فعالیت‌های طالبان و تقابل ارتش این کشور با آنان، معضل همجواری با کشورهای بی ثبات به سراسر مرزهای شرقی ایران گسترش پیدا کرده است. با عنایت به مجموعه مولفه‌هایی که موجب نا امنی در افغانستان و پاکستان شده اند، در این مقاله این پرسش مطرح می‌شود: رهیافت ژئوپولتیکی برای خروج از این بحران در مرزهای نواحی شرقی چیست؟

### روش تحقیق

این مقاله با رهیافت واقع گرایی، روشی توصیفی داشته و مبتنی بر تحلیل و استدلال است. روش جمع آوری داده و اطلاعات نیز مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است و پس از طبقه بندی اطلاعات، تحلیل و تجزیه آنها به طور عمده از طریق توصیف انجام شده است.

### مبانی نظری ارزیابی بحرانهای نواحی شرقی کشور ایران

بررسی بحران‌ها بدون شناخت کانونهای بحران از امکان پذیر نمی‌باشد و هر بحرانی دارای منشاء و کانونی هست که برای حل بحران باید به صورت ریشه ای عمل نمود. لازم به توضیح است که سئوالاتی برای پژوهشگر مطرح است که برای تفسیر موضوع مورد بحث پاسخ به آنها اجتناب ناپذیر است که این سئوالات عبارتند از:

#### الف: بحران چیست؟

ریشه بحران از واژه «Crisis» در معنای جور کردن، قضاوت، لحظه حساس مشاجره گرفته شده است. بحران به معنای تغییر ناگهانی است که در جریان یک بیماری پدید می‌آید و صفت ویژه آن حالت وخامت است (بیرو- ۱۳۷۰- ص ۷۳). از نظر برداشت عمومی، بحران عبارتست از بوجود آمدن شرایط غیر معمول یا غیر متعارف در روند حرکت یک سیستم، به بیان دیگر «بحران وضعیتی است نا پایدار که در آن تغییر ناگهانی در یک یا چند قسمت از عناصر متغییر نظم موجود ایجاد می‌گردد.» معمولاً بحران را مترادف «درگیری» نیز بکار می‌برند، پدیده درگیری عبارت از کنش و واکنشهای آشکار و قهری گروههای رقیب می‌باشد. این تعریف هرگونه آشوب سیاسی، شورش و جنگ را در بر می‌گیرد ولی مفهوم بحران «بین المللی» در آن کمتر به چشم می‌خورد اما به هر حال یک بحران بین المللی را می‌توان به عنوان تغییر وضعیتی تعریف کرد که با دو شرط اساسی همراه است: دگرگونی در نوع و شدت کنشها و واکنشها میان دو یا چند رقیب، همراه با احتمال درگیری نظامی. (حیدری- ۱۳۷۲- ص ۴۲)

ب: بحرانهای موجود در نواحی شرقی کشور ایران چیست؟

#### افغانستان

جمعیت افغانستان در سال ۲۰۱۰ در حدود ۲۹ میلیون نفر برآورده شده است که ۲۰ درصد آنها در مکانهای شهری و ۸۰ درصد در مناطق روستایی و عشایری سکونت دارند. مردم افغانستان در زمره فقیرترین مردم جهان محسوب گردیده و شاخص‌های جمعیتی و رفاه اجتماعی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. به عنوان مثال میزان مرگ و میر جمعیت ۲۲ در هزار، و میزان دسترسی به آب آشامیدنی بهداشتی ۲۱ درصد می‌باشد. میزان مرگ و میر کودکان ۱۵۴ در هزار و امید زندگی برای مردان، ۴۵ سال و برای زنان ۴۶ سال برآورد شده است (UNFPA، ۲۰۰۹، The State of World Population) درآمد سرانه مردم افغانستان در حدود ۲۰۰ دلار و میزان باسوادی در کشور ۲۹ درصد

بوده و یک تخت بیمارستانی برای ۲۰۵۴ نفر قابل تامین است (Canamla dlrow ehTNewjersey, 1996, P737). این شاخص‌ها مؤید وجود فقر و مصیبت در بین مردم افغانستان است. و امر باعث مهاجرت‌های زیادی به کشور ایران میشود، ایران و افغانستان ۹۴۵ کیلومتر مرز مشترک دارند. استان‌های مجاور مرزهای شرقی جمهوری اسلامی ایران امروزه شاهد تهدیداتی چون جرایم سازمان یافته مانند قاچاق مواد مخدر و تسلیحات، مهاجرت‌های غیر قانونی، ورود کالاهای ممنوعه، نا امنی نواحی مرزی و حمله به پاسگاه‌های مرزبانی و نیز تهدیدات نرم‌افزاری، قومی، نژادی، مذهبی و... هستند که می‌تواند امنیت ملی کشورها را به مخاطره اندازد (دره عسگری و سهراب میرحیدر، ۱۳۸۳، ص ۲۳). تاکنون اختلافی بر سر خط مرز دو کشور بروز نکرده است، ولی اختلافات بر سر تقسیم آب هیرمند همچنان باقی است. گاهی اوقات برای دسترسی به آب هیرمند اختلافاتی بروز می‌کند که منجر به مذاکرات دو جانبه می‌شود، به طوری که ۱۲ مورد بحران دیپلماتیک و ۲۷ مورد مذاکره دو جانبه برای حل و فصل آن سبب شده است.

بین ایران و افغانستان، اختلاف ارضی کوچکی در منطقه اسلام قلعه وجود دارد که هنوز بدون حل باقی مانده است. عوامل مؤثر در کارکرد مرز و روابط دو دولت ایران و افغانستان کارکرد مرز و روابط ایران و افغانستان تحت تأثیر عوامل زیر قرار دارد:

- ۱- نظام‌های سیاسی حاکم بر دو کشور و الگوی رابطه بین آنها الگوی روابط دولتهای دو کشور با دولتهای دیگر در مقیاس منطقه‌ای و جهانی وجود یا عدم وجود دولت فراگیر و پاسخگو در افغانستان محصور بودن افغانستان در خشکی و نیاز به موقعیت گذرگاهی ایران موقعیت گذرگاهی ایران در مسیر عبور مواد مخدر از افغانستان به اروپا ساختار جغرافیایی و طبیعی مرز، بویژه توسعه نیافتگی و فقر عمومی مناطق مرزی در دو کشور
- ۲- ساختار انسانی و پیوندهای فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عاطفی ساکنان دو طرف مرز
- ۳- نیاز ایران به آب هیرمند

- ۴- اهل سنت در ایران و شیعیان و تاجیکی‌ها در افغانستان ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی در مسیر مبدأ و مقصد مواد مخدر (افغانستان و اروپا) قرار گرفته است. افغانستان به عنوان کانون فشار، آوارگان، مواد مخدر، نا امنی و غیره آن را از طریق مرز به داخل ایران تزریق کرده است.
- مرز ایران و افغانستان بحرانی‌ترین مرز کشور بوده و هزینه‌ها و آسیبهای فراوانی به ایران وارد کرده است که ۵/۲ میلیون آواره و ۵/۲ میلیون معتاد یکی از ابعاد هزینه‌های آن است. در ادامه به بررسی موجز هریک از این بحران و تهدیدها می‌پردازیم:



نقشه شماره ۱) نقشه مرزهای سیاسی ایران با پاکستان و افغانستان

منبع: سازمان جغرافیای نیروهای مسلح

## تهدیدات امنیتی ایران در نواحی شرقی

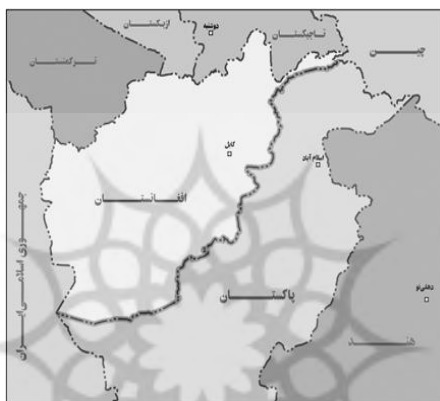
### افراطی‌گری در افغانستان

گروه‌های متعددی با دولت افغانستان و نیروهای خارجی مستقر در این کشور در حال مبارزه می‌باشند که القاعده، طالبان، حزب اسلامی و برخی تشکل‌های کوچک محلی از جمله آنها هستند. در این میان این گروه‌ها طالبان نقش اساسی دارد. طالبان در چارچوب گروه‌های مقاومت در دهه ۱۹۸۰، با حمایت آمریکا و در راستای مقابله با حضور نیروهای شوروی در افغانستان و سپس در مرحله بعدی به منظور مقابله با نفوذ ایران در افغانستان، بر اساس یک تفکر متحجرانه و تحت تاثیر شدید وهابیت به وجود آمد. حمایت‌های مالی عربستان، امارات و برخی دیگر از کشورها از طالبان، به اشکال مختلف موجب به قدرت رسیدن این گروه در افغانستان گردید. پس از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، دولت جدید تنها توسط سه کشور عربستان سعودی، امارات و پاکستان به رسمیت شناخته شد. طالبان از حمایت ضمنی آمریکا نیز برخوردار بود و در دور دوم ریاست جمهوری کلینتون، ارتباطات غیر رسمی با طالبان برقرار گردید. طالبان که توسط سازمان اطلاعات ارتش پاکستان به وجود آمدند تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، کماکان از حمایت‌های علنی پاکستان برخوردار بود. لیکن پس از حوادث مزبور و اعلام جنگ علیه تروریسم بین‌المللی و برکناری طالبان از قدرت، نیروهای طالبان به آن سوی مرزهای افغانستان فرار نموده و در مناطق مرزی میان افغانستان و پاکستان مستقر شدند. آنها ضمن انجام عملیات ایزدایی، به تدریج مناطقی را در نواحی مرزی پاکستان و جنوب افغانستان در اختیار گرفتند. دولت افغانستان از مدت‌ها قبل آمادگی خود را برای مصالحه با طالبان اعلام کرده بود و حتی مذاکرات مستقیم با رهبر طالبان، ملا محمد عمر، نیز استقبال به عمل آورده بود علاوه بر این، برخی تلاش‌ها توسط جناح‌هایی از حاکمیت افغانستان در راستای دستیابی به توافق با طالبان صورت پذیرفت. انگلیس و آمریکا نیز از این گفتگوها حمایت کردند. حاصل این تلاش‌ها را میتوان به برگزاری نشست زانویه ۲۰۰۹ در عربستان سعودی دانست.

### افراطی‌گرایی در پاکستان

پاکستان کشوری مسلمان و با جمعیتی بیش از ۱۷۰ میلیون نفر است که گرایش به اسلام و جریان اسلامی در آن بسیار زیاد است و به عبارتی دیگر، اسلام جزء فرهنگ این کشور به شمار می‌آید. مدارس دینی در پاکستان، مرکز

تولید انرژی برای جریان‌های تندرو هستند. تعداد قابل توجهی مدرسه دینی در پاکستان وجود دارد که رقم آنها از ۱۸ هزار تا ۳۰ هزار تخمین زده می‌شود. با نگاهی تاریخی به جریان افراط‌گرایی در پاکستان، میتوان سه جریان متفاوت را مورد توجه قرار داد. البته این سه جریان با یکدیگر تعامل و همکاری دارند، یک جریان افراط‌گرا در دهه ۶۰ شمسی به نام سپاه صحاب پایگذاری شد که محور فعالیت‌ها و اقدامات آن، علیه جمهوری اسلامی ایران و شیعیان بود. جریان دوم، در تقابل با کمونیسم و شوروی بنا نهاده شد. البته این گروه بعدها تغییر شکا و ساختار داد و طالبان را شکل داد. جریان سوم، انتفاضة کشمیر است که از سال ۱۹۸۸، شروع به فعالیت کرد. این جریان با الهام از جریان سپاه صحابه و همکاری با دستگاه اطلاعاتی عربستان، با هدف آزادسازی کشمیر تشکیل شد. طی سال‌های اخیر، طالبان آشکارا تلاش خود را در جهت تقابل با دولت پاکستان به کار گرفته است تا بتواند دولت پاکستان را با نا امنی و بی ثباتی مواجه سازد. (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۸، ص ۳)



نقشه شماره ۲) مرز پاکستان و افغانستان  
منبع: سازمان جغرافیای نیروهای مسلح

### ترانزیت مواد مخدر

با وجود تمام سیاست‌هایی که برای کنترل کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان صورت گرفته است، نرخ تولید مواد مخدر در افغانستان از زمان حضور نیروهای خارجی در این کشور، روز به روز در حال افزایش بوده است و بیشترین سر ریز آن به سبب هم جواری و مسیر ترانزیت به کشورهای اروپایی، به سوی ایران است. تریاک در افغانستان پس از سال ۲۰۰۰، براساس آمار منتشره توسط آژانس‌های مربوطه سازمان ملل متحد، سیر صعودی داشته است. براساس گزارش INCB (کمیته بین المللی مواد مخدر)، ۹۳ درصد مواد مخدر موجود در بازارهای جهان در افغانستان کشت و تولید می‌شود. به لحاظ اجتماعی، با توجه به اینکه براساس آمارها حداقل ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از مردم افغانستان دست اندرکار کشت خشخاش می‌باشند، می‌توان به عمق تأثیر تریاک بر اقتصاد این کشور وقوف پیدا کرد. به عبارت دیگر، حدود ۱۰ درصد جمعیت افغانستان در این زمینه فعال اند. بر این اساس، مبارزه با تولید مواد مخدر ظاهراً نمی‌تواند سریع و کوتاه مدت باشد؛ یعنی غفلتی که در طول سالیان گذشته صورت گرفته شرایط را روز به روز برای کشورهای مسئول در این زمینه سخت تر می‌کند. حجم تجارت مواد مخدر در جهان سالانه به بیش از پانصد میلیارد دلار می‌رسد که برابر با حجم تجارت نفت در چند سال اخیر و پس از حمله آمریکا، تولید مواد مخدر در افغانستان به صورت قابل توجهی افزایش یافته است (www.unodc.org). کشورهای مختلف و

به ویژه همسایگان افغانستان، علاوه بر مبالغ هنگفتی که صرف مبارزه با مواد مخدر می‌کنند، بخش قابل توجهی از توان ملی خود را به دلیل گرفتار شدن اقلیتی از جمعیت شان در دام این مواد از دست می‌دهند و به لحاظ امنیتی همواره در معرض آسیب قرار دارند.

### تقابل منافع اقتصادی با رقبا

ایران و افغانستان در حال حاضر سه گمرک فعال دارند و کالاهای ایرانی در بازار افغانستان از محبوبیت بسیار خوبی برخوردارند. اما در بحث اقتصادی، ایران با رقابت بازیگران دیگر روبروست. یکی از رقبای منطقه‌ای ایران در افغانستان، روسیه است. سیاست روس‌ها از گذشته این بوده است که خطوط ریلی و آسفالت، یعنی خطوط تجاری آسیای مرکزی را به پاکستان و بعد آب‌های آزاد متصل کنند. در واقع اینک شریان‌های اقتصادی افغانستان در اختیار روسیه است.

افغانستان با توجه به شرایط داخلی و ضعفی که از درون داشته، با سقوط طالبان در مسیر دولت سازی قرار گرفته است و پس از اجلاس بن، نظام بین‌الملل بر آن بوده که حاکمیتی مردمی را در افغانستان ایجاد کند. اما نکته اینجاست که هر بازیگری از نظام بین‌الملل که در مسئله افغانستان ایفای نقش می‌کند، دیدگاه خاص خود را از ثبات در افغانستان پیگیری می‌کند و حتی گروه‌های داخلی افغانستان نیز تعریف خاصی از قدرت و ثبات در افغانستان دارند. در کل، محیط بین‌الملل نتوانسته در این مورد به اجماع کامل برسد و در نتیجه تناقضاتی پنهان را در این رابطه و در نگاه جامعه بین‌الملل نسبت به افغانستان می‌توان مشاهده نمود.

### پایگاه‌های آمریکا در منطقه و حضور نیروهای خارجی در منطقه

آمریکایی‌ها در افغانستان به دنبال پایگاه دائمی هستند. علاوه بر این، آمریکا تلاش دارد در حاشیه مرزهای افغانستان و جمهوری اسلامی ایران، پایگاه موقتی و محدودی احداث کند. به این منابع تهدید باید حمایت‌های آمریکا از معاندین نظام جمهوری اسلامی ایران را هم افزود. احداث پایگاه‌های متعدد از سوی آمریکا و ناتو فی نفسه تهدیدی برای ایران محسوب می‌شود. البته آنچه که بیشتر موجب نگرانی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، تثبیت جایگاه نیروهای بیگانه در افغانستان است. معضلی که ایران از ناحیه منافع حیاتی خود در افغانستان با آن مواجه است، حضور گسترده نیروهای آمریکایی و ناتو در این کشور می‌باشد. ایران از دو منظر نگران حضور این نیروهاست: اول اینکه نفس حضور این نیروها در همسایگی ایران، با توجه به نوع روابط ایران با آمریکا، نوعی تهدید بالقوه علیه ایران محسوب می‌شود و نگرانی دوم نیز بر این مبنا استوار است که ادامه حضور نیروهای نظامی خارجی، سبب تشویق توسعه افراط‌گرایی و گسترش تحرکات تروریستی در منطقه گردیده است؛ در نتیجه، مانع از استقرار ثبات دائمی می‌شود. برخی عملکردهای نیروهای ناتو در افغانستان نیز منجر به ایجاد بدبینی نسبت به این نیروها در داخل این کشور گردیده است. نیروهای ناتو در مواجهه با مردم این کشور توجهی به سنت‌ها و فرهنگ آنها ندارند، به توصیه دولت افغانستان در روند مبارزه توجهی نمی‌کنند، به موضوع کشتار غیرنظامیان اهمیت لازم را نمی‌دهند و مهمتر از همه پدیده بومی‌سازی امنیت، بسیار دیر مورد توجه قرار گرفته است. مردم مناطق مختلف و خصوصاً بخش‌های

جنوبی و شرقی افغانستان انتظار داشتند بعد از سقوط طالبان و با توجه به کمک‌های جامعه بین‌المللی، شاهد اثرات این کمک‌ها در ارتقای وضعیت زندگی شان باشند.

### تجزیه افغانستان

افغانستان در تاریخ خود سه بار با موضوع تجزیه روبرو شده است. یک‌بار در سال ۱۸۷۸ میلادی، بحث تجزیه از سوی نخست‌وزیر انگلیس مطرح شد. طرح این بود که هرات را به ایران بدهند، کابل و قندهار هم سهم حکومت انگلیسی هند باشد که ایران نپذیرفت. طرح دیگر از طرف روس‌ها در زمان خروجشان از افغانستان مطرح شد که مبتنی بر استقلال شمال این کشور بود. طرح سوم، طرحی است که بلک ویل، سفیر سابق آمریکا در هند، مطرح کرده است که براساس آن افغانستان به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. قسمت جنوبی با مرکزیت قندهار در اختیار پشتون‌ها و قسمت شمالی در اختیار اقوام غیر پشتون افغانی قرار می‌گیرد. اما در مجموع رهبران سیاسی، مذهبی و گروه‌های مختلف در افغانستان، به هیچ‌عنوان با طرح تجزیه افغانستان موافق نیستند و در عین حال، این موضوع یکی از اسباب نگرانی‌ها می‌باشد.

### ایران‌ستیزی

تهدید دیگر، پروژه ایران‌ستیزی است که آمریکایی‌ها با توجه به رسانه‌هایی که در اختیار دارند، علیه ایران به راه انداخته‌اند. آمریکا به دنبال این سیاست تلاش می‌کند تا افکار عمومی همسایگان ایران را تحریک کند و از فضای ایجاد شده برای ایجاد پایگاه‌های نظامی خود استفاده کند.

### آوارگان و مهاجران افغان

سیل مهاجران افغانی به ایران، از زمان حمله شوروی به این کشور در سال ۱۹۷۹ میلادی و پس از آن در پی جنگ ۲۰۰۱ افغانستان، پیوسته رو به افزایش بوده است. طبق آمار، حدود ۹ تا ۱۱ درصد از جمعیت افغانستان در ایران به سر می‌برند (توحیدی ام البنین، ص ۱۳-۱۲). هم‌اکنون حدود سه دهه است که ایران در بالاترین رده کشورهای پناهنده پذیر قرار گرفته است. این آمار بالا مشکلات بسیاری در عرصه امنیت اجتماعی و اقتصادی ایجاد می‌کند. پیش‌بینی می‌شود با عدم کنترل روند فقر و ثبات‌سازی در افغانستان، تعداد آوارگان افغانی و مهاجرت آنها به ایران افزایش بیشتری نیز داشته باشد. پیروزی مجاهدین افغانی و تشکیل دولت اسلامی در سال ۱۳۷۱ شمسی و همچنین سقوط طالبان و تشکیل دولت انتقالی در سال ۱۳۸۰ شمسی، دو پدیده‌ای بود که در مقطع زمانی وقوع، تأثیر مثبت و کوتاهی بر روند بازگشت آوارگان افغانی به کشورشان داشته (UNHCR Website)<sup>۱</sup> ولی پایدار نماند. در این زمینه آنچه مشهود می‌باشد، عدم وجود یک استراتژی هماهنگ و مورد توافق جامعه کمک‌کننده در افغانستان است. کشورهای کمک‌کننده اولویت‌های بازسازی از محل کمک‌های خود را بر مبنای دیدگاه‌های خود و غالباً بدون توجه به نظر دستگاه‌های مسئول افغانی تعیین می‌کنند. در همین راستا، مقامات رسمی افغانستان و از جمله وزیر امور خارجه سابق این کشور، صراحتاً بر این نکته تأکید نموده‌اند که تنها ۲۰ درصد از مجموع کمک‌های تخصیص یافته به افغانستان که در اختیار این دولت بوده در چارچوب اولویت‌های تعیین شده هزینه‌گردیده است و طبیعتاً باید در

<sup>۱</sup> وب‌سایت کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد



مقابل آن پاسخگو باشد، اما ۸۰ درصد باقیمانده کمک‌ها را کشورها براساس تعاریف و نظرات خودشان هزینه نموده اند. این عدم توازن و انتقادات فزاینده دولت افغانستان موجب گردید تا جامعه بین‌المللی در جریان کنفرانس بازسازی در لندن بپذیرد که تا سقف ۵۰ درصد از کمک‌های خود جهت بازسازی افغانستان را در چارچوب طرح‌های این دولت هزینه نماید (مک فارار نیل، ۲۰۱۰). به همین جهت کمک‌های خارجی نیز با تبلیغات گسترده نتوانسته است بر فقر و بیکاری تأثیر مثبت بگذارد و مانع از عزیمت اتباع افغانی به کشورهای دیگر شود.

متأسفانه در هر دو مقطع عدم پایداری شرایط و سرعت برگشت تحولات به عقب منجر به روند معکوس بازگشت مهاجرین افغانی به کشورشان گردید. علی‌رغم اینکه ایران در سه دهه گذشته تلاش نموده است میزبان مناسبی برای آوارگان و مهاجران افغانی باشد، اما همواره با مشکلات متعدد امنیتی و اجتماعی از جمله اقدامات بزهکارانه، انتقال بیماری‌های مسری، قانون شکنی، شرارت و فعالیت در زمینه مواد مخدر مواجهه بوده است.

### مدیریت بحران در نواحی شرقی کشور

یکی از مهمترین عواملی که می‌تواند باعث مهار طالبان و جلوگیری از نفوذ آن به ویژه در افغانستان شود، قطع منابع مالی این گروه است. منابع مالی طالبان که صرف جذب نیروهای بیشتر و احیاناً ادامه کمک به مناطق محروم تحت سلطه آن می‌شود، به طور عمده از دو منبع اصلی تغذیه می‌شود. منبع نخست، کشت و تجارت تریاک و مواد مخدر است. بنابر گزارش‌ها، این تجارت در دوران اشغال افغانستان توسط آمریکا و ناتو تا چهار برابر افزایش یافته است. منبع اصلی دیگر، کمک‌های مالی است که از سوی برخی کشورهای عربی خلیج فارس و از طریق شبکه‌های بانکی پاکستان به طور مخفیانه صورت می‌گیرد. قطع منابع مالی مذکور نیاز به همکاری بین‌المللی به ویژه از سوی قدرت‌های بزرگ و آمریکا دارد.

دغدغه دیگر در ارتباط با طالبان این است که پاکستان در موقعیت متناقضی در ارتباط با طالبان قرار گرفته است. از یک سو، خطر تسلط طالبان بر کشور احساس می‌کند و از سوی دیگر، طالبان را به شکل فرصتی برای حفظ موجودیت کشور و به عنوان تنها کارت برنده در قبال همسایه خود افغانستان و مهمتر از آن رقیب و دشمن دیرینه خویش یعنی هندوستان، در افغانستان تلقی می‌کند. نامشخص بودن خط مرزی پاکستان و افغانستان و حضور قوم پشتون در دو سوی مرز و گرایش‌های مذهبی طالبان که عمدتاً از قوم پشتون می‌باشد، مانع احساسات ملی‌گرایانه آنان و بسیج اقوام پشتون برای ایجاد پشتونستان می‌شود.

البته این سخن به این معنا نیست که همه پشتون‌ها طرفدار طالبان می‌باشند. از سوی دیگر، حضور طالبان که گرایش‌های مذهبی دارند، مانع نفوذ هندوستان در افغانستان و محاصره پاکستان توسط هندوستان می‌شود. بدین ترتیب، حل معضل طالبان به نحوی مرتبط با حل مشکلات وحدت سرزمینی پاکستان و سایر سیاست‌های منطقه‌ای می‌باشد (ام البنین توحیدی، مسئله افغانستان: آمریکا و همسایگان، معاونت پژوهشی سیاست خارجی، ۱۳۸۸، ص ۶). در ارتباط با طالبان نمی‌توان نقش و نفوذ آمریکا را در صحنه افغانستان و پاکستان نادیده گرفت. در گذشته، آمریکا در راستای تقابل با ایران، به افزایش نفوذ طالبان و در مرحله بعد از وقایع یازده سپتامبر، به طور کلی در مواردی به چشم پوشی از اقدامات طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران مبادرت نموده است. از سوی دیگر، همسویی سیاست‌های

آمریکا و عربستان سعودی در مقابله با جمهوری اسلامی ایران از طریق طالبان، موجب شده است که عربستان و برخی دیگر از کشورهای خلیج فارس بتوانند به ادامه حمایت‌های مالی خویش از طالبان ادامه دهند (همان) تا زمانی که این معادله تغییر نکند و کشورهای مؤثر در افغانستان در این زمینه تعامل نداشته باشند، نمی‌توان در جهت مهار طالبان گام اساسی برداشت کارهای متفاوتی را می‌طلبد.

یکی دیگر از علل گسترش فعالیت‌های طالبان و به طور کلی گرایش وهابیت، عدم فعالیت گروه‌های سنی معتدل می‌باشد. اگر گروه‌های معتدل در محیطی به دور از تنش میان شیعیان و اهل سنت فعالیت نمایند و به گسترش مدارس دینی اهل سنت با هدف ترویج تساهل مذهبی و هم‌زیستی با سایر ادیان بپردازند، از راهکارهای مناسب برخوردار می‌توانند. بنابراین، طالبان به شمار آید.

لذا به منظور ارتقای امنیت و ثبات و کاهش گسترش تهدیدات به مناطق شرق ایران، پیشنهادها زیر را می‌توان مطرح نمود:

- ۱- امنیت کلیدی ترین عامل و مؤلفه برقراری ثبات در کشورهای حوزه شرقی ایران می‌باشد. ایجاد امنیت پایدار در گرو بومی نمودن آن و طبیعتاً ارتقای ظرفیت‌های ارتش و نیروی انتظامی و سایر نیروهای امنیتی خصوصاً در افغانستان و خارج نمودن عامل خارجی از این معادله می‌باشد.
- ۲- دو پدیده افراط گرایی و تروریسم را نمی‌توان لزوماً یکسان تلقی کرد و با شیوه مشابه با هر دو برخورد نمود. افراط گرایی می‌تواند مقدمه ای برای رسیدن به تروریسم باشد، اما لزوماً و در همه موارد به آن ختم نمی‌شود. از سوی دیگر، ممکن است بتوان با افراط گرایی زندگی نمود، اما با تروریسم این امر میسر نمی‌باشد. لذا مناسب است در اولین گام از پیوند میان این دو پدیده در افغانستان و پاکستان جلوگیری کرد و مانع تسری این پدیده به مناطق شرقی ایران شد. همچنین لازم است تلاش کرد جریان افراط گرا در ساختارهای موجود این کشورها جذب گردد، مقابله با قاچاق مواد مخدر و مبارزه با تروریسم دو موضوع کلیدی می‌باشند که می‌توانند فصل مشترک همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها قرار گیرند. به نظر می‌رسد این فرصتی است که از مدت‌ها قبل مغفول مانده است. تولید و ترانزیت مستلزم تدبیرهای خاص و انجام طرح‌های اقتصادی می‌باشد و تلاش گسترده تری را در سطح بین‌المللی برای جلب کمک‌های اقتصادی فنی و نیز نظامی می‌طلبید.
- ۳- شناخت عمیق و همه جانبه کشورهای همسایه (افغانستان و پاکستان) و تحولات آنها و چگونگی ارتباط و همکاری و در صورت لزوم برخورد با آنها از مسئولیت‌های سنگین دولت می‌باشد. زیرا امنیت و منافع ملی در گرو اوضاع و احوال داخلی و شرایط پیرامونی و حاشیه ای مرزی و تحت تاثیر منافع متعدد با کشورهای همجوار است. باتوجه به اینکه بین ایران و پاکستان مرزی نسبتاً طولانی وجود دارد و از آنجایی که دو کشور هند و افغانستان در مرزهای خود با نیز درگیر می‌باشند، لذا پیشنهاد می‌شود که تا حد زیادی دست ایران در تامین امنیت مرزی دو کشور باز باشد و از آنجایی که سه کشور علاوه بر همسایگی و داشتن مرزهای طولانی دارای اشتراکات مشترک فرهنگی و مذهبی نیز می‌باشند لذا می‌طلبد که نسبت به امنیت یکدیگر بیشترین تلاش را کرده و به یک دیگر اعتماد داشته باشند.

## منابع

- ام البنین توحیدی، مسئله افغانستان: امریکا و همسایگان، گزارش راهبردی، شماره ۱۸۵، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک، اسفند ۱۳۸۵، صص ۳-۷
- بیرو-آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، سال ۱۳۷۰
- تأثیرات نا امنی‌های پاکستان و افغانستان بر ایران "جمع بندی نشست شماره ۱۲۳، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک، بهمن ۱۳۸۸، ص ۳.
- حیدری-غلامحسین، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۶ و ۵ سال ۱۳۷۲.
- درودیان، محمد، نقد و بررسی جنگ ایران و عراق ۲ اجتناب ناپذیری جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲.
- دره عسگری و سهراب میرحیدر، ژئوپلیتیک قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس با تاکید بر لزوم فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران و کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی، ۱۳۸۳.
- رضایی-ناصر، بررسی کانونهای بحران در جغرافیای سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی سال ۱۳۷۵
- عزتی، عزت الله، جغرافیای نظامی ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۸.
- مویر- ریچارد، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی-ترجمه دره میرحیدر، رحیم صفوی- انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، سال ۱۳۷۹.

<http://www.unodc.org>

The State of World Population, 1995, UNFPA, P.64. WorldPopulation Data Sheet 1995.prb.  
canamla dlrow ehTNewjersey, 1996. P.737.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی